



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۳۹۲ |

دیدگاه دکتر محمد جعفر یاحقی

درباره استاد محمد مهدی رکنی یزدی

زیستن

در عمل و اعتقاد



رویداد بین‌المللی از «غدیر تا عاشورا» برگزار شد

عرض ارادت به ساحت علوی

در جوار حریم رضوی

دکتر فرامکی در مراسم نکوداشت استاد رکنی مطرح کرد

آغازگر ادبیات جدید

زیارت پژوهی

اختتامیه هفتمین دوره

کارگاه‌های آموزشی

«سفیران رضوی» برگزار شد

خبر

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی در مراسم

بهره‌برداری از دو پروژه ورزشی مطرح کرد

مصادق بارز اقدام به نفع مردم



قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی گفت: ایجاد زمین‌های ورزشی در مناطق حاشیه شهر مشهد مصداق بارز اقدام به نفع مردم است. مالک رحمتی در مراسم بهره‌برداری از دو پروژه ورزشی بنیاد کرامت رضوی در حاشیه شهر مشهد اظهار کرد: الگوی مشارکتی ایجاد شده بین آستان قدس رضوی، بنیاد علوی و شهرداری مشهد برای ساخت مجموعه‌های ورزشی در مناطق کمتر توسعه یافته، قابل تحسین و الگویی برای سایر مجموعه‌هاست. وی افزود: بهره‌برداری از دو پروژه در شهرک شهید رجایی و بولوار توس مشهد، پایان کار نیست؛ چرا که ساخت پروژه‌های ورزشی و فرهنگی در مناطق کمتر توسعه یافته همچنان جزو نیازهای مردم این مناطق است و از همین رو نباید به این میزان اکتفا کنیم همچنین باید به نیاز بانوان در زمینه‌های ورزشی و ساخت سالن‌های سرپوشیده توجه جدی بشود. هدف آستان قدس رضوی از ایجاد زمین‌های ورزشی در متن شهر، جامه عمل پوشاندن به مطالبه رهبر معظم انقلاب مبنی بر تربیت همزمان جوانان با تحصیل، تهذیب نفس و ورزش است. رحمتی افزود: هر سه این شاخص‌ها، شرط لازم برای رشد و تربیت جوانان ارزشی در مکتب امام(ره) و رهبر معظم انقلاب است که باید به آن توجه شود و بر همین اساس، آستان قدس رضوی خود را مکلف به حمایت از طرح‌های فرهنگی و ورزشی می‌داند.

فیلم‌کوت‌ زندگی



در شهر

تولیت آستان قدس رضوی:

خدمت به مردم از مهم‌ترین بسترهای کسب رحمت الهی است

۴

گفت‌وگوی اختصاصی قدس

بادکتر محمد مهدی رکنی یزدی

شیرین سخنِ پُرآفرین

«از نعمت‌هایی که خداوند در قرآن به پیامبران بزرگش مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی و الیاس و خاتم آنان، حضرت محمد(ص) عطا نموده و پس از شرح دعوتشان یادآور شده، «نام نیک ماندگار» است که در آیاتی چند بیان شده است. به نظر نویسنده، آن آیات واقعیتی مهم را که خواست فطری انسان است و در وجودش سرشته شده بیان می‌کند؛ این جملات بخشی از مقدمه مقاله «بقای نام نیک و آثار آن» از استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی و عضو سابق هیئت مدیره بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی است.

دکتر محمد مهدی رکنی یزدی نامی آشنا برای پژوهشگران ادبیات فارسی و علوم اسلامی است. همو که سال‌ها در عرصه ...

طرح اثر: مصطفی شفیعی - قدس



مروری بر روایت خواندنی مواجهه ناصرالدین‌شاه با حکیم اسرار در سالروز رحلت او

نان حلال حاج ملاهادی

و وقتی تعیین کنید تا ناهار میهمان حکیم باشیم. حاکم سبزواری من و من کنان به ناصرالدین‌شاه گفت: امر، امر شماست، اما اگر از این چاکر نظر بخواهید، پیشنهاد می‌کنم از خیر این دیدار بگذرید. شاه اما بی‌اعتنا به حرف حاکم، دستور خود را با غضب تکرار کرد. یکی از خدمه رفت و پس از مدتی بازگشت و گفت: قربان، حکیم فرمودند پس از درس و نماز به منزل می‌روند و شما می‌توانید در آن زمان، ناهار میهمان ایشان باشید.

■ **شاه! بخور، نان حلال است**

ظهر آن روز تاریخی فرارسید. ناصرالدین‌شاه به همراه یک نفر خادم به در خانه حاج‌ملاهادی



و شکر خدا کرد و به آب‌دوغ زد و در دهان گذاشت. ناصرالدین‌شاه هم تکه‌ای نان برداشت و به آب‌دوغ زد، اما هر چه کرد نتوانست آن را بجود؛ انگار نان حلال از گلویش پایین نمی‌رفت! برای آنکه شرمنده نشود، به حکیم گفت گرسنه نیست؛ اما برای تبرک تکه‌ای از این نان را با خود می‌برد و سپس در کمال شگفتی، منزل حاج ملاهادی سبزواری را ترک کرد. آنچه خواندید، خلاصه گزارشی بود به نقل از محمدعلی مدرس تبریزی، مؤلف کتاب مشهور «ریحانه‌الادب». امروز، سالروز رحلت فیلسوف بزرگ جهان اسلام، مرحوم حاج ملاهادی سبزواری است.

سبزواری رفت و در زد. یکی از اهالی خانه در را گشود و شاه را به اتاق حکیم راهنمایی کرد. حاج ملاهادی در گوشه‌ای نشست و بود و زیر لب ذکر می‌گفت؛ در برابر شاه از جا برنخاست و فقط سلام او را پاسخ داد و گفت برای ناصرالدین‌شاه چهارپایه‌ای بیاورند تا بنشیند. شاه پس از نشستن و انجام تعارفات معمول به حکیم گفت: «شنیده‌ام شما یک زمین زراعتی دارید، خواهش می‌کنم برای آن مالیات دولتی ندهید که حقیر به این خدمت جزئی نسبت به شما موفق شده باشم». حکیم این درخواست را نپذیرفت و پاسخ داد: «کتایچه دولتی هر ایالتی

و طبقه‌بندیشان. انگار شهر را می‌نویسد می‌گذارد جلو من. از پیرزن خوشرو و آقای چتر فروش بگیر تا میهمان رادیو، مادر دلتنگ و دزد پشیمان. لیخند می‌زنم به یک مثلاً پنجشنبه معمولی که معمولی نیست. اصلاً گویا از ساختمان دزدی شده و جالب اینکه جناب دزد عذاب وجدان گرفته و آمده خودش را معرفی کرده به مایاخته....

پشت میز کارم که می‌نشینم حس می‌کنم نیمی از من، پیش رویدادها جا مانده توی خیابان، توی تاکسی، طبقه همکف. مغزم اما

پیشدستی می‌کند و می‌رود سراغ قصه‌ها

خواهرش که با وجود تمام مراقبت‌ها عمرشان به دنیا نبود و از فرزند دوشم که رفت و داغش ماند. منقلب می‌شوم و نفسم می‌گیرد. از دهنم می‌گردد چطور سه عزیزش را طی هفت ماه از دست داده و باز هم می‌تواند از امیدواری و عشق حرف بزند؟! بیشتر که صحبت می‌کند می‌فهمم چرا. می‌فهمم استوارها به کجا وصل‌اند. با همان آرامش فوق‌العاده به شتونده‌ها توصیه می‌کند: غم نخورند که همه مسافر یک جاده‌ایم، حالا چند صباحی دیرتر یا زودتر.

پیاده می‌شوم. باران ریز ریز می‌بارد و خانمی



محمدحسین نیکبخت |

شاه قاجار به هر شهری که می‌رسید، مورد استقبال قرار می‌گرفت؛ بزرگان شهر خواسته یا ناخواسته باید به پیشواز ناصرالدین‌شاه می‌آمدند تا بعداً برایشان دردسر درست نشود. مقصد او، شهر مشهد بود اما معمولاً برای استراحت، در شهرها و آبادی‌های بین راه توقف می‌کرد و اگر خوش می‌گذشت، چند روزی می‌ماند. آن روز کاروان ناصرالدین‌شاه به سبزواری رسید؛ شهری که به دلیل حضور فیلسوف نامدار جهان اسلام، حکیم اسرار، حاج ملاهادی سبزواری شهرت فراوانی داشت. حکیم اسرار در آن زمان، متجاوز از ۷۰سال سن داشت و آثار کهنولت در سیما و اندامش نمایان شده بود. ناصرالدین‌شاه بیش از همه توقع داشت که حکیم به استقبال او بیاید؛ شاید برای اینکه بعداً، پیش سفیران روس و انگلیس پُزی بدهد که بله! حتی فیلسوف‌ها هم ناصرالدین‌شاه را دوست دارند. به پیشکارش که ملاهادی را می‌شناخت، دستور داد وقتی او را در جمع استقبال‌کنندگان دید، حتماً به شاه قاجار نشان دهد تا او هم از کالسکه پیاده شود و به حکیم احترامی بگذارد. ناصرالدین‌شاه متعقد بود این کار می‌تواند بر محبوبیتش در قلوب مردم اضافه کند! اما پیشکار هر چه با چشمانش میان جمعیت را گشت، حاج ملاهادی را ندید که ندید. این بود که با ترس و لرز رو کرد به ناصرالدین‌شاه و گفت: قربان، حاج ملاهادی را ندیدم. شاه سری تکان داد و حرفی نزد.

■ **شاه حکیم‌شناس!**

چند روزی گذشت؛ ناصرالدین شاه در سبزواری ماند به امید اینکه شاید حاج ملاهادی سبزواری تعارف را کنار بگذارد و به دیدن او بیاید. اما خبری نشد. این بود که به حاکم سبزواری گفت: طی این روزها، همه اعیان و علما به دیدن ما آمدند و عرض ارادت کردند، اما خبری از حاج ملاهادی نشد. چرا این گونه رفتار می‌کند؟ حاکم در پاسخ گفت: اعلیحضرت به سلامت باشند؛ حکیم شاه و وزیر نمی‌شناسد. او کلاً به امور دنیوی و اهل حکومت بی‌اعتناست. ناصرالدین‌شاه که تحت تأثیر شخصیت حکیم اسرار قرار گرفته بود، به حاکم و اطرافیانش گفت: اگر او شاه را نمی‌شناسد، شاه که او را می‌شناسد؛ خودمان به دیدنش می‌رویم. بروید

رقیه توسلی |توی تاکسی، پیرزنی خوشرو از من آدرس می‌پرسد... باران می‌آید. سه روزی می‌شود تابستان خنکی را تجربه می‌کنیم... العجب! کنار خیابان فروشنده‌ای بساط چتر پهن کرده! ... رادیو خوشامدگویی می‌کند به میهمان برنامه. راننده تاکسی صدا را بیشتر می‌کند. محور گفت‌وگو کروناست. دارند از تجربیات و خاطرات دوران کووید می‌گویند. از این بیماری سمج و زحمتکش‌ان عرصه درمان. جملاتشان تأثیرگذار است. سراپا گوشم، نه من، که فکر می‌کنم هر سه تا آدمی که اینجایم. آقای میهمان از مادرش می‌گوید و

گفت‌وگو

رمز و راز حفظ کل قرآن به روایت حافظ ممتاز مجموعه مدارس امام رضا(ع)

همه می‌توانیم حافظ

قرآن باشیم



آستان‌نیوز | همزمان با برگزاری مسابقات دانش‌آموزی قرآن کریم، در فرصتی کوتاه با سیدابوالفضل ایوبی دانش‌آموز پایه یازدهم دبیرستان علوم و معارف اسلامی امام رضا(ع) و رتبه چهارم رشته حفظ کل مسابقات بین‌المللی دانش‌آموزی قرآن کریم، گپ و گفتی داشتیم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید. بخش مهمی از درخشش امروزش به بستر مهمای تربیتی‌اش در دل خانواده‌ای قرآنی برمی‌گردد. ۱۴ سالش بود که توانست پس از سه سال تمرین و ممارست و البته عشق و علاقه، حافظ کل قرآن کریم شود.

برای نخستین سؤال پرسیدم: «چطور توانستی در حفظ کل، موفق و صاحب عنوان شوی؟» پاسخ داد: «حقیقتاً لطف خدا بود، کار من نبود. البته تأثیر محیط بر انسان بسیار زیاد است. به لطف خدا من در محیط خانواده‌ای قرآنی بزرگ شدم و مادرم از همان دوران کودکی، در طول روز اشاراتی از آیات می‌آورد تا هنگام خواب که با تلاوت قرآن مجید به خواب می‌رفتیم. مادرم زحمت کشیدند و من را به مهدالرضا(ع) می‌بردند که تأثیر زیادی در علاقه‌مندی‌ام به قرآن داشت. پدرم نیز اهل قرائت قرآن هستند و دلی من قاری و صاحب جلسه آموزش و تلاوت قرآن در شهر مشهد هستند.»

وقتی از کیفیت فراگیری قرآن پرسیدم، به صراحت گفت: من از آن بچه‌های تیزهوش نیستم، از اواخر سال ۹۵ شروع کردم و پس از سه سال مداومت و تلاش، سرانجام اول سن تکلیف حافظ کل قرآن شدم. بزرگ‌ترین افتخار یک قاری مشهدی این است که در حرم امام هشتم تلاوت کند. دو سال پیش برای آزمون خادمی حرم رفتم و به لطف حضرت حق، مورد تأیید همه استادان قرار گرفتم. الان نزدیک چهار ماه از توفیق خدمتم در حرم مطهر می‌گذرد.

برای خیلی از ما سؤال است که چطور می‌توان کل قرآن را حفظ کرد؟ حتماً هر یک از ما، چند سوره کوتاه و بلند حفظ هستیم، پس حافظ قرآن هستیم و می‌توانیم بیشتر از آن هم حفظ کنیم. فقط مسئله این است هنگامی که از بیرون به حجم ۶۰۰ صفحه‌ای قرآن نگاه می‌کنیم با خودمان می‌گوییم، چطور می‌شود آن را به صورت کامل حفظ کرد؛ بر این باور هستم که از برکات معنوی آیات نورانی کلام‌الله مجید این است که در اثر همنشینی و مجالست، ظرفیت‌های مختلفی در فرد متبلور شده و توانایی‌هایی به انسان عطا می‌شود که حفظ کل قرآن یکی از آن‌هاست.

سنجاق

امیرالمؤمنین(ع): فرصت، غنیمت است.